NO GUIPH

NO GRAPH

١

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام میگیرد خوش نویس نام دارد به خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد!! گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است!! به نظر می رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن سعی داشته اثری هنری با ارزش های زیبایی شناختی خلق کند!!!!! از این رو خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن سعی داشته اثری هنری با ارزش های زبیبایی شناختی خلق کند!!!!! از این رو خوشنویسی با نگارش سادهٔ مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه آرایی متفاوت است!! همچنین از آنجایی که این هنر جنبه هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تایپوگرافی که مبتنی بر ارزشهای گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد!! خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگها به چشم می خورد اما در مشرق زمین و بهویژه در سرزمین های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است!! خوشنویسی اسلامی و بیش از آن تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم خوشنویسی ایباندگی آن از سوی دیگر تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد!! گر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالبها و قواعد و نظامهای بسیار مشخصی شکل می گیرد و هر یک از حروف قلمهای میخنی می نظر در عرف به صورت یک آمدول تابد درمی باییم که ایجاد قلمهای تازه و یا شیوهای شخصی میشود! در خوشنویسی اندازه هر حرف به صورت یک آمدول تابد درمی باید تخطی از آن بهمنزله نادیده گرفت توافقی چندصدسالداست که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت حاصل می آمدهاست!! حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخص تعیین میشده که در خوشنویس و تکلط به ترقرار بوده و با رضایت استید برزگ تنظیم و از ان بهمنزله نادیده گرفت نیز براساس مبانی مشخص تعیین میشده که در کامات نیز براساس مبانی مشخص تعیین میشده که در کامات و تکلی شده کاملاً پیش بینی و تکلیف شده که نامه کن و تکلیف شده که نامه کن در کام خود را دارا بودهاست!!

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته است از برا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می دانسته اند ای آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به کار می بردند ایاه از خوشنویسی با خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است از مردمان این سرزمینها به ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده است از خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با سایر هنرهای باید کرده است از خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حسیت قدرت نمام در اوج جریانات هنری بودداست از قبوی نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی طالب منسوب است از پس از قرن پنجم هجری خط کوفی تقریباً جای خود را به خظ نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویددار خظ کوفی منحنی و قوس دار است ایا ۱۹ سر اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از ایال محقق ریحان نلث نسخ رقاع و توقیع ای و وجه دامیز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می باشد از معرف برای این خطوط قواعدی وضع کرد که یه اصول دوارده کانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از از آخریب کرسی نسبت ضعف قوت سطح دور سطح دور سطح دور مسطح معرای ترول مجازی دول و سطح دور سطح دور سطح دور در هم نقا و شان ایالایا یک قرن بعد از این مقله این بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازهای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود ایالها

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بودهاست 🏿 رفته رفته ایرانیان سبک و شیوههایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند 🎚 هرچند این شیوهها و قلمهای ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه 🏿 افغانستان 🔻 پاکستان و هند می باشد 🎚 در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است🎚 در ایران پس از فتح اسلام 🔻 خطّاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت 🎚 در زمان حکومت ایلخانیان 🛚 اوراق مذهّب کتابها نخستین بار با نقشهای تزیینی زینت یافت 🎚 در زمان حکومت تیموریان در ایران 📉 خط و خوشنویسی به اوج كمال خود رسيد الميرعلي تبريزي با تركيب خط نسخ و تعليق خط نستعليق را بنيان نهاد ال مشهورترين خطاط قرآن در اين دوره بايسنقر ميرزا بودالها 🖟 🗓 انچه که به عنوان شیوهها یا قلمهای خوشنویسی ایرانی شناخته میشود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار 🛚 قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و بهکار رفتهاست 🎚 این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته است 🎚 هرچند آنان نیز برای امور منشی گری و غیر مذهبی قلمهایی را بیشتر به کار می برند 🛮 اما اوج هنرنمایی آنان 📉 بر خلاف خوشنویسان ایرانی در خط ثلت و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است 🖟 در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتیبه نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره میگرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد 🎚 هرچند ایرانیان در این قلمها نیز شيودهايي مجزا و مختص به خود آفريدداند🎚 خط تعليق را ميتوان نخستين خط ايراني دانست 🎚 خط تعليق که ترسل نيز ناميده مي شد از اوايل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود🛭 که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد 🗓 ۱۰ 🖟 پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود 🏿 در قرن هشتم میرعلی تبریزی 🖟 ۸۵ هجری قمری 🖟 از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نسختعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد 🎚 این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید 🖟 📭 و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید 🎚 خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی میزیستند!] در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه 🏻 افغانستان و بهویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان 🎚 که تعلق خاطر ویژهای به فرهنگ ایرانی داشتند 🎚 رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد 🖟 بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را میتوان قرنهای درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست 🎚 در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد 🖁 علت پیدایش آن را میتوان به سبب نیاز به تندنویسی و راحتنویسی در امور منشیگری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست 🎚 همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق 🛚 ایرانیان بهخاطر سرعت در کتابت 🔻 شکسته تعلیق آنرا نیز بوجود آوردند 🖟 🗗 🖟 درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند 🎚 در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد 🖟 از یک سو با تاکید و توسعه سیاهمشق نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامهها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد 🎚 در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی حط را از کنج کتابخانهها و مجموعههای خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوههایی چون نقاشیخط را بهوجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است 🏿 در سالهای پس از انقلاب اُسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت 🎚 همچنین خطی به نام معلی در سالهای اخیر با تاثیر از خطوط اسلامی 🔹 ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت 🎚 آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرداد محمدپور اشاره کرد 🛚 خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتیبه نویسی فارسی و عربی را داراً می باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند|

فن الخط فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية || وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة || ١٩٦٨ || ١٩١٧ || ١٩١٧ || والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو أفن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة ومتناغمة وماهرة || ١٩٦٨ || ١٩١٩ || ١٩١٩ || ١٩١٩ || ١٩١٩ || ١٩٤١ || ويوصف الجمالي متحدد في إطار المهارات التقنية وسرعات الانتقال وتحديد المواد الزمان والمكان من الشخص || ١٩٦٨ || ١٩٤١ || ١٤٤١ || ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي أو نسخ أبجدي ||فريزر و ٢٠٠٦ | جونستون ١٩٠٩ || بلايت ١٩٦٦ || يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف

ا ١٩٩٦ إلى يعتلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدى وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء وهي تاريخيا حروف منظمة ومع ذلك سلسة وتلقائية ومرتجلة في لحظة الكتابة أيوت ٢٠٠٦ و٢٠٠٠ و٢٠٠٠ و٢٠٠٠ و٢٠٠٠ إو ٢٠٠٠ و٢٠٠٠ إلى الخراهار في الأزدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث وتصميم بنط أل الطباعة وتصميم الضعار باستخدام خط النسخ والفن الديني والإعلانات أل التصميم الجرافيكي ألوفن الخط والنقش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء ألى ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون والشهادة في القضايا وشهادات الميلاد والوفاة والخرائط وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة ألى المتالات الميلاد والوفاة والخرائط وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة ألى المتالات الميلاد والوفاة والخرائط وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة ألى التعالية الأعمال التي تنطوي على الكتابة ألى المتالات الميلاد والوفاة والخرائط وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة ألى الأعمال التي تنطوي على الكتابة ألى المتالوبة المتحركة للسينما والمتحركة والخرائط وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة ألى الأعلاد والوفاة والخرائط والمتحركة للسينما والمتحركة والمتحركة للسينما والمتحركة والمتحركة والمتحركة والمتحركة والمتحركة والمتحركة ولمتحركة والمتحركة وال

الأدوات الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم مشطوف الرأس والمدبب و الريشة ا وهناك المحبره عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة ا وكذلك من ادوات الخط الورق عالى الجودة |

الفنون البصرية الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرنية في الطبيعة مثل الفنون التشكيلية التقليدية [الخزف الرسم الرسم الفني النحت العمارة والطباعة [الفنون البصرية الحديثة [النصوير الفوتوغرافي الفيديو وصناعة الأفلام [التصميم والحرف البدوية إلى العديد من الخفصصات الفنية الأفلون المسرحية فنون اللغية فنون الطهي أل تنظوي على جوانب من الفنون البصرية البصرية بالإضافة إلى أنواع أخرى وبالتالي فإن هذه الععريفات لبست دقيقة ألى المشهم المتغير ألى الاستخدام الحالي لمصطلح [الفنون البصرية ألى يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف البدوية وكلى هذا ليس هو الحال دائما أقبل حركة الفنون والحرف البدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرب والمسلم النحت أو الطباعة ألى وليس مجال الاشغال البدوية والحرفية أو من يطبق ضوابط الفن ألى وأكد التعييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرون أشكال الفامية بقد الأشكال الامعة المصدر المناقش على الفنون الجميلة من الجماهير من خلال الهناني المقدورة على فنة معينة من الناس المالية المصدر المدروب المدروب الفنون الجميلة والحرف الدوية العربة المصدر المدروب المال عنون ممارسون للفن الناس المناس المسابعة المصدر المدروب الفنون الجميلة والحرف الدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحوفيين ممارسون للفن الناس المناس المدروب الفنون العالمية المناس المدروب المدروب المدروب الفنون الجميلة والحرف الدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحوفيين ممارسون للفن المناس الم

في الكمبيوتر الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفي التقليدي أنجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة الأداء الله الله الله الله الله التحرير لاستكشاف مكونات متعددة للطباعة أيما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد أن في الكمبيوتر هو أي في يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني أله هذا الفن يمكن أن يكون صورة صوت صور متحركة فيديو أقراص مضغوطة دي في دي لعبة فيديو موقع خوارزمية أداء أو تثبيت معرض رسوم العديد من التخصصات التقليدية الآن تقوم بدمج التقنيات الرقمية و نتيجة لذلك الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة على سبيل المثال الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحسابي وغيرها من النقنيات الرقمية أن نتيجة لذلك تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا أو ومع مذا النواع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته وهذه المتكولوجيا على نطاق واسع وفي المتاحف والمعارض الفنية على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته وهذه الكنولوجيا على نطاق واسع وفي محرين المصور لنماذج ثلاثية الأبعاد وفنانو الحرف اليدوية أو برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد عمارات مطورين الصورا قد يصبح المصورين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام المكمبيوتر الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة إلى الصفحة أقل وضوحا ببغضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة إلى المتحدام المقاطة الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة وخاصة للمراقبين النوبي يقتشورون للبراعة إلى المتحدام المؤسودات الوثيقة وخاصة للمراقبين النوبي يفتقرون للبراعة إلى المتحدام المقاطة الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة إلى المتحدام المتحدام المتحداء الوثيقة وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة المتحدد المتعدد التعديد التعدد التعديد التعدد التعدد التعدد التعدد التعديد التعدد التعدد

آرت آرت ایسے کم یا کماں نوں آکھیا جاندا اے جیدے وچ چیزاں نوں نشاناں نال اینج دسیا جاندا اے جے اوہ سوبنیاں لگن ارت دی بنی شی کوئی کہانی دسدی اے یا صرف کوئی سوبنا سچ یا مسوس ہوں والا جذبہ انسانیکلوپیڈیا بریٹانیکا آرت نوں اینج دسدا اے آ اوہ سوبناں شیواں محول یا تجربیاں جنہاں دور دوجیاں نوں دوجیاں نوں وی دسیا جا سکے تے جنہاں دے بنان وچ سوچ نے کر نوں ورتیا گیا ہوۓآ اینھے آرٹ دوج مورتاں آ یہ بنانا آ نے فوٹوگرافی آندے نیی آرکیئیکچر نوں وی ویکھے جان والے آرٹ دوج گنیا جاندا اے پر اوبدے وچ اوس شے تے کم لینا اوبدے بنان دام ذھر ہوندا اے موسیقی تھیئر فلم نوں آرٹ نال رلایا جاسکدا اے آرٹ دوج گنیا جاندا اے جیدے وچ ایدی اصل ایدا بنانا تے انپذیل ایپنوں دستا آندے نیی آرٹ اک وایا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نوں دسن یا کسے بور تک اپڑان لئی ارسطو دی فلاسفی وچ آرٹ اک ودیا تے آئیڈیل آپڑان دا پنھا ول کیندا اے مارٹی بائیڈگر دی اکھ وچ آرٹ اک ایسا ول اے جیدے رابیں کوئی سنگت اپنا آپ دسدی اے

تریخ ویس ولنڈورف آرٹ دے سب توں پرانے نمونے پتھر ویلے توں لبدے نیں ویس ولنڈورف الوالوال توں الوالوال م پ دی اک زنانی دی پتھر دی بنی مورتی سے جبیزی آسٹریا توں لیی سی لاسکو فرانس وچ زمین دے اندر غاران وچوں الوالوال ورے پرانیاں جانوران نے انسانان دیاں مورتان کندان نے بنیان ملیان نیں ایبنان وچ انسان شکار کردا دسیا گیا اے وشکارلہ پتھر ویلہ الوالوال الوالوال م پ نیکان نے نیولتھک ویلے الوالوال الوالوالی پ وچ انسان نے وائی بیجی نے اک تعان نے تک کے رہنا سکھیا رہتلان گنجلیاں ہویان نے مذہب نے وی مانتا پائی نے انسان نے اپنے فیدے لئی بتھ نال کئی چیزان بنانیاں سکھیاں نے فید کانسی ویلے الوالوالیوالی الوالوالی پ بتھ نال کئی چیزان بنانیان سکھیاں نے اپنے اور الوالی شیوان توں بنایاں آرٹ اودوں چین پرانے یونان روم نے انکا نے مایا دیاں رہتلان نے اپنیان آرٹ دیاں رہتال سکھائی پہلے مورتان نال نے لکھائی پہلے مورتان نال نے فید وازان نون بٹنی الکھائی پہلے مورتان نال نے فید وازان نون بٹنے کے تے اوبنان بون جوز کے بنائی جاندی اے

پرانا عراق پرانے عراق دا آرٹ دجلہ نے فرات دے دریاواں دے وشکار آ ہزار ورے پہلے توں اوتھے ہونگرں والیاں اشوری سمیری کالدی رہتلاں وچ ہنیا ایتھوں دے آرکیئیکچر وچ اٹ نے ذات دا ورتن سی نے ایدے نال زکورت صدر نے وکھریاں پدھراں والے ہرم بنائے گئے محلاں وچ وکھریاں پدھراں تے سوبنے رکھ لائے گئے جیہڑے پرانی دنیا دیاں آ نوپکلیاں شیواں وچوں سن بتی بنان دا ول لکڑ نوں چھل کے نے نقشی دبکی پتھر نال بنیا نے ایسان نال مذہبی شکاری نے فوجی وکھالے انساناں نے جانوراں نال بنائے جاندے سن سمیری ویلے وچ نکیاں بتیاں دے کہارے تکھے رنگلے پتھر دیاں گنجے سر نے چھاتیاں تے بتھ سن اکادی ویلے دیاں بتیاں دے سر دے وال لمے نے دازیاں سن جیویں نازام سین عصوری ویلے دیاں بتیاں بنیا نے نوں لاکاش گذیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدے چ گذیا نے چادر سر نے نوپی نے بتھ چھاتی نے رکھے نیں اشتر ہوآ جیہڑا بابل وچ االله م پو وج بنایا گیا سی بابل دے ارکیئیکچر ارث دی وڈی نشانی اے یا داکھ دی اور وج ہے گیونل شیرنی آآآآآ ورے پرانی لائم پتھر دی بنیا کہ مورتی اے عراق وچ ایہ اودوں بنی جدوں پہیہ نے لکھی دا ول بنے گئے دکھنی عراق وچ ارک وچ گول پیپ ورکیاں مہراں نے بنیاں مورتاں کہانی ساندا اک نوپکلا ول سی ایہ مہراں پتھر مئی اکسے ہور شے دیاں وی بنیا ہوسکدیاں سن رات دی رانی عراق چو وی لیک کوئی آآآآآ ورے پرانی لائم پتھر کی بنیا ہوسکدیاں سن رات دی رانی عراق چو وی لیک کوئی آآآآآ ورے پرانی لائم پتھر کی بنیا ہوسکدی ہیں تھی انہ بنے کہرانی پتھر کی انہ بلد نے گدھ دی بادگار پرانے عراق سے نے بنی عورت دیوی دی بنی دی کی تا دول بنین نال پرانے عراق سے آپ نوں دست نی کہانیاں نیں انراہس ان دی کہانی دی گئی اے بیا دیاں کہنان وچ وی اپنی مئی پرمئی لکھت انوما الیئی اے جیدے وچ ایس کئی اے بابل دیاں کاننات دے بنی دی کہنی دی گئی اے

پرانا مصر ملکہ نیفریتیتی پرانا مصری آرث 💵 🗓 م پ توں لے کے 💵 تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری رہتل دی نشانی اے تے ایھدے وج

مورتاں بتیاں آرکیٹیکچر نے رلدیاں چیزاں آندیاں نیں ایہ مصری آرٹ پرانیاں قبراں نے یادگاری تھانواں توں لبیا تے اینج ایدھے وج مرن مگروں جیون نے پرانی جانکاری نوں بچان نے زور اے ایہ آرٹ اور آل اس اور کے تیجی صدی تک نے اچیچے دوسرے نے تیسرے نبر ویلے وج بنیا آلا آلا ورے دے لمے ویلے وچ ایدا نے باہر دا کوئی اثر ناں پیا نے جس ودیا ول نال ایہ نریا نے بنیا گیا انت تک انج دا ای رہا ایس ویلے دا منیا آرئست اللہ اور نے توں اور ان ایس ویلے دا منیا آرئست بوں باجوں ایتھے بنیاں مورتاں نھیک ملیاں نبی مصر دیاں بتیاں وچوں سب توں چوکھیاں جانیاں جان والیاں رامسیس اخناتوں نیفریتیتی اوسکورن امنہوئپ منکار نے تتنخاموں نیں مصری بانڈے پتھر توں لے کے مئی نال بندے سنے اور اور نے نشریاں کے بین مصری الے کے مئی نال بندے سنے اوبنے نے کالے یا رنگلے نقش بنے ہوندے سن ایبناں وچ عام کر وچ ورتن دے پانڈے مرتباں کڑے نبی مصری مصدی اللہ تھر نے گربتائت ورنے کے لگڑ تھوڑی ہوں باجوں ایدا ورتی تھوڑا اے خوفو دا ابرام ابوالہول کرناک لکسر ادفو دے مندر ایدے وڈے ادھارن نیں مصری لکھتاں نے مورتاں بنان لئی پیپائرس ورتدے سس ایدیاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا ہور کلاسیکی دنیا وچ وی ایدا ورتن سی پر پر کتے ہور ناں رہیاں

پرانا یونان پرانا یونانی آرٹ بتیاں آرکیٹیکچر پانڈے تے مورتاں وچ دسد اے تے ایس نے یورپ نے ایشیاء وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیی یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں ولان تے نمونیاں وچ بندے سن پانڈے جناں وچ مرتبان نے پلیٹاں تے عام زندگی دیاں مورتاں بنیاں ہوندیاں سن یونانی آرکیٹیکچر اپنی شان سادگی تے سوبنپ وچ اپنی ادھارن آپ اے پرگامون پارتھینن بیفسنس دا مندر ویکھن والیاں تھانوان نیں مائلو دی وینس سیموتھریس دی نائیکے یونانی بنیاں دیاں ودیا ادھارن نیں

دکھنی ایشیاء دکھنی ایشاء وج آرٹ دی ریت بڑپہ رہتل توں ٹردی ہوئی اج دے ویلے تک اپزدی اے بانڈے بتیاں آرکیئیکچر مورتاں نے ایہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اے مہنچوداڑو دی نچدی کڑی پنڈت بادشاہ مہراں جنہاں تے ہاتھی بلد تے سواستیکا بنے ہوۓ سن نے منی دے وڈے مرتباناں نے پانڈیاں نے مورتاں اوس ویلے دے آرٹ دا وکھالہ نبی بت بنانا ہددو جین تے بدھ مت دی ریت رئی اے اجنتا دے غار پرانی بدستانی بتی دی اک ودیا تعان اے بدتو بزاران وریاں توں اپنے دیوی دیوٹاواں وشنو شیوا لکشمی گئیش بوعواں اندرا رام نے سرسوتی دیاں مورتاں نے بتیاں بنا کے مندران نے کران وچ رکھدے آۓ نبی اطے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے آرکیئیکچر دی وڈی تھاں سی ایہ بتیاں بدھ نے اودے جیون دے دوالے مندران نے ویلے دیاں بنان وچ بدیدیاں آئیآں نے یوٹائی رنگ وی دسدا اے مغل راج ویلے ایرانی رنگ موران وج دسدا اے مغل راج ویلے دیاں مورتان منا بادشاہوں نے اوبیان دے جیون دے دوالے ای بنیاں نبی کانڈو راجپوت نے پنجاب مورتان بنان دے مغلال مگروں وکھرے سکول سن مورتان دے والے دیاں اگریئیکچر بندستان دی پہچان بندا اے تاج محل بادشاہی مسجد شالامار باغ شاہی قلعہ مغل آرکیئیکچر دیک ج نشان نبی

اسلامی خطاطی اسلامی خطاطی الله یہ ایک فن ہے جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے۔ بالخصوص عربی حروف خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن الله اس فن کو اسلام سے جوزدیاگیا۔ اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوتا ہے۔ اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی۔ الله یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ۔ فارسی۔ ترکی۔ اردو۔ آذری زبانوں میں بھی عام ہے۔

مساجد اور خطاطی ﴿ ترمیم ﴾ اسلامی ﴿ مسجد خطاطی ﴾ یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے۔ مسجدوں کی۔ میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات۔ میناروں پر گنبدوں پر۔ اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر۔ فن خطاطی کا ایک مرکب ہے۔

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحيم۔ اور اللہ۔ محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم۔ مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے۔ ان کے علاوہ۔ قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہر

عربی زبان عربی االعربیۃ ا یا با عربی الغة عربیۃ ا ا اسامی زبانوں میں سب سے بزی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے جدید عربی کلاسیکی عربی زباں ا فصیح عربی یا اللغة العربیۃ الفصحی ا کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے فصیح عربی قدیم زمانے سے بی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً أردو فارسی ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ذلا ہے اور ان ربازین میں عربی کے ہے شمار الفاظ موجود ہیں عربی کے مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی ووجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جانے ہیں مثلاً مصری شامی عراقی حجازی وغیرہ مرام لہجے میں بولنے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ھمزہ سمیت ایا حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجہ کہا جاتا ہے ا

حروف تہجی حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں بعض ماہرینِ لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے ابجد ھوز حطی کلمن سعفص قرشت ٹخذ ضظغ انہیں حروفِ ابجد بھی کہتے ہیں علمِ جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے ہو کچھ یوں ہیں

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمٰن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تواا ایا بنتے ہیں۔ بعض اهلِ علم همزہ ایا ۔ ایا کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں۔ اس حساب سے پھر عربی کے انتیس حروف تہجی بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں امرہ ممیت کل ایا عروف ہیں۔ اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کھ۔ بھ وغیرہ اردو میں فن تاریخ گوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ ہرامد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد

جیسے ہی ہیں۔ اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً ﴿ إِبْ اِ کے اعداد ﴿ بِ اِ اَذْ اِ کے اعداد ﴿ وَ اِ اَ کَ اِ اِبِرِ ﴿ اِكُ اِ کَ عِبْرِ اِللَّهِ اِللَّهِ اِللَّهِ اِللَّهِ اللَّهِ اِللَّهُ اِللَّهِ اللَّهُ اِللَّهُ اِللَّهُ اِللَّهُ اِلَّهُ اِللَّهُ اللَّهُ اِللَّهُ اللَّهُ اللَّ